

مسکن مهر و شهرسازی معاصر

(نمونه موردی: مسکن مهر استان قزوین)

علی افتخاری^۱

فاطمه شهسواری^۲

چکیده:

امروزه موضوع مسکن مهر را میتوان یکی از ناب ترین نمادهای معماری و شهرسازی معاصر دانست. از ابتدای امر، این پروژه تحت عنوان مسکن ارزان قیمت شکل گرفت و طی سال های اخیر مظهر بروز خلاقیت و تلاش گروه های متعددی در جهت رفع نیاز روزافزون اقشار مختلف جامعه به تأمین مسکن بوده است. آپارتمان سازی یکی از راه های مطرح شده برای حل معضل کمبود مسکن بود که در پروژه مسکن مهر با استقبال روبرو شد و به نظر می رسد، صنعتی سازی و استفاده از تکنولوژی های نوین شامل اسکلت فلزی پیچ و مهره ای، اسکلت بتنی ویژه و کامپوزیت تنها راه سرعت بخشیدن به ساخت و ساز در این مسکن انبوه بوده است.

اما از سوی دیگر، تحقیقات و آمار بدست آمده از جوامع توسعه یافته که مدتهاست تفکرات و سبک های معماری و شهرسازی الهام گرفته از مدرنیسم را پشت سر گذاشته اند، حاکی از روی گردانی این جوامع از بلندمرتبه سازی و رجحان طرح های ارگانیک و انسانی تر می باشد. آنچه عمدتاً منجر به تخریب ساختمان های بلند و تبدیل آنها به محله های مسکونی ارگانیک شد، بروز و تشدید مشکلات بهداشتی و بیماری های واگیر، بزهکاری، موضوعات سیاسی، عدم امکان کنترل فرزندان توسط خانواده ها و مقوله های متعدد اجتماعی و روحی و روانی عنوان شده است.

مراجعه به تجربیات کشورهای دیگر در زمینه ی محله های بلند مرتبه مسکونی ما را هر چه بیشتر به سمت اتخاذ تدابیری برای به حداقل رساندن آسیب های احتمالی آن هدایت میکند. به دلیل وجود تنوع قومی و قبیله ای و همچنین اختلاف طبقاتی ساکنین شهرک های مسکن مهر، وضع قوانین و مقررات مناسب و آموزشهای لازم برای کاربران اصلی این پروژه ها، بیشتر از هر زمان دیگری ضروری می نماید. شایان ذکر است، تمام اقدامات انجام شده در زمینه معماری همگام با تکنولوژی های جدید، بیشترین دقت نظر و ریزبینی مسئولین امر را نسبت به طراحی شبکه معابر و دسترسی ها و در واقع شیوه ی شهرسازی این منطقه می طلبد تا با طراحی هوشمندانه از احتمال بروز پیامدهای منفی در کل مجموعه جلوگیری گردد و در نهایت منجر به رشد توان اقتصادی و همچنین فرهنگی طیف عظیمی از اجتماع کشورمان شود.

واژگان کلیدی: مسکن مهر، شهرسازی معاصر، صنعتی سازی، آموزش، فرهنگ

^۱ ۰۹۱۲۱۸۱۳۹۰۷، alieftekhari@yahoo.com، مشاور اجرایی مسکن مهر استان قزوین،

^۲ ۰۹۱۲۷۸۵۵۲۸۱، abanshahsavar@yahoo.com، کارشناس ارشد معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز،

۱- مقدمه

مسکن یکی از دغدغه‌های انسان در همه مراحل حیات بشری بوده است. شکل‌گیری آن در ادوار مختلف، بر اساس نیازهای او چه فیزیکی و چه احساسی استوار بوده است و امروزه توجه به معماری مجموعه‌های شهری در طراحی‌ها نقش مهمی را ایفا می‌نماید.

طراحی فضاهای باز توسط بدنه‌های ساختمانی، اصولی ماندگار در طراحی معماری شهری می‌باشد و ترکیبی تاثیر گذار از فضاهای شهری را خلق می‌کند، و از این طریق امکان ایجاد هویت فضایی برای هر فضا و هویت جمعی برای کل مجموعه را در بر خواهد داشت و دیگر الگوی سواره محور طراحی برای انسان و خانه‌ی او که در آن به آرامش می‌رسد نمی‌باشد.

در یک واحد مسکونی یا خانه، روابط اجتماعی خارج از محدوده مسکونی صورت می‌گیرد و بنا به نحوه قرار گیری واحدها با یکدیگر در مجموعه شهری ساکنین ارتباط اجتماعی دور و یا نزدیکی را با یکدیگر خواهند داشت. نیازهای اولیه آنها یعنی مسیر دسترسی، تاسیسات شهری در قالب مقررات شهری قرار می‌گیرد. اما در ترکیب‌های دیگر علاوه بر نیازهای فوق بسیاری از عوامل محیطی و اجتماعی آنها با هم گره خورده که چنانچه بدون مطالعه مورد استفاده قرار گیرند مشکلاتی را در پیش خواهند داشت، به همین لحاظ قبل از طراحی آگاهی از نحوه تاثیرات هر کدام به طور جامع باید مورد مذاقه قرار گیرند. با توجه به اهمیت بسزایی که محلات در شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسانها دارند در این مقاله سعی بر آن بود که به مطالعه عوامل دخیل در رسیدن به پاسخ مناسب در ایجاد محلات پرداخته شود. سپس با بررسی روال ساخت پروژه مسکن مهر و تحلیل مطالب مطرح شده و مقایسه با نمونه‌های خارجی مشابه، راهکارهایی هرچند کوچک جهت پیشگیری از معضلات احتمالی اجتماعی در میان ساکنان آن ارائه شود.

۲- ادبیات موضوع

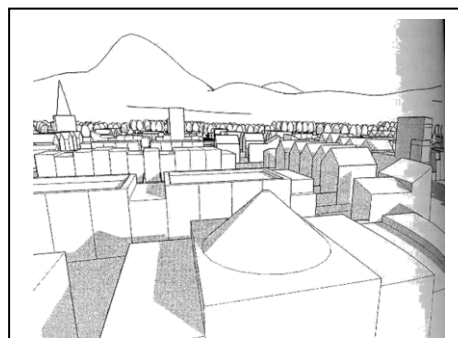
۲-۱ بافت‌های شهری

در این بخش بر آنیم که بافتهای شهری را از نقطه نظر بازه زمانی به دو گروه بافت‌های شهری؛ سنتی و مدرن تقسیم نموده و به تعریف آنها بپردازیم.

۲-۱-۱ بافت‌های سنتی

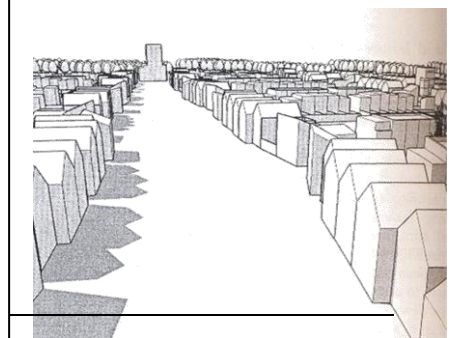
در بافتهای سنتی خانه‌ها بسیار نزدیک به هم قرار داشتند و فقط قسمت‌های مشخصی از خانه با محدوده حریم عمومی ارتباط پیدا می‌کرد. به دلیل شرایط اجتماعی در آن دوران بافت قابل رویت خانه رو به فضای باز مرکزی خود داشت، این امر منحصراً به منظور تامین امنیت و ایجاد حریم خصوصی و خلوت به کار می‌رفت. «بافت بیرونی نمای تعدادی از واحدهای مسکونی که به طور متوالی در کنار هم قرار می‌گرفتند، خیابانی را شکل می‌دادند.» (پوردیپیمی، ۱۳۸۲ : ۳۹) در بدنه آن‌ها اغلب پنجره‌ای رو به خیابان وجود نداشت و در صورت اجبار در ارتفاع بالا قرار می‌گرفت. از هر چیز که حاکی از توجه به سمت محدوده خصوصی می‌شد

^۳. به شکل حیاط مرکزی.



تصویر ۲-۲- نمونه‌ای از بافت سنتی.

(بیدولف، ۲۰۰۷)



تصویر ۲-۳- نمونه‌ای از بافت مدرن.

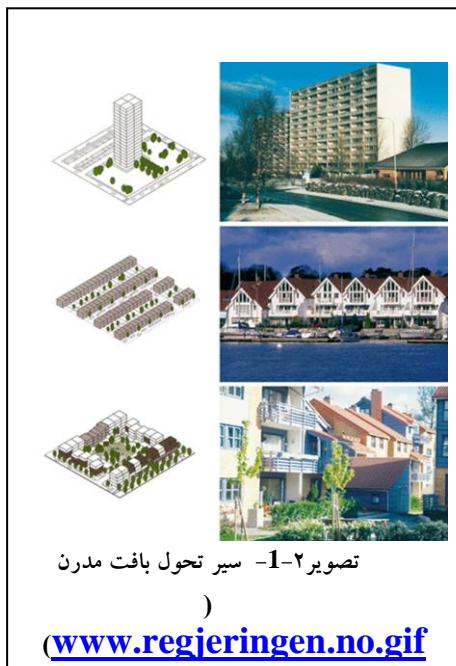
(بیدولف، ۲۰۰۷)

اجتناب می گردید. نقاط دسترسی به واحد های مسکونی دور از انظار ساخته می شدند و «رو» و یا جلوی ساختمان به سمت حیاطی محصور واقع می شد (الکساندر، ۱۳۷۱).

« ترکیب کلی بافت های سنتی متشکل از فضاهای بازی بود که بدنه های ساختمان در شکل دادن به آن ها نقش اصلی را داشتند. نوربرت شوینز آن را اصول خلق فضاهای باز توسط بدنه های ساختمانی نامیده و اظهار می دارد که این اصول می تواند تعاریف مناسب فضایی برای فضاهای باز به وجود آورد.» (پوردیهیمی، ۱۳۸۲ : ۴۰)

۲-۱-۲ بافت های مدرن

متاسفانه طراحی فضاهای باز توسط بدنه های ساختمانی توسط پیشگامان جنبش مدرن بدون اعتبار



گردید. (شوینر، ۱۳۸۰) زندگی شهری، محیطی شلوغ، ناشناخته و خطرناک محسوب می شود که شکافی بین حریم خصوصی یعنی خانواده و حریم اجتماعی یعنی محیط شهری پدید می آورد. به این ترتیب زندگی خصوصی میل به جدا شدن از زندگی عمومی می نماید. نتیجه ای که حاصل می شود جدایی خانواده ها است. خانواده نه تنها باید تمام نقایص زندگی عمومی را جبران کند، تنها مکان تجربیات شخصی و روابط عاطفی نیز می گردد. به این ترتیب خانواده نقش جدیدی پیدا می کند و خانه او باید این نقش را تکمیل نماید، لذا شکل واحدهای مسکونی منفرد و جدای از هم در شهر با شکل زندگی او که تمایل به جدایی از جامعه داشت، بسیار هم خوانی پیدا کرد. (پوردیهیمی، ۱۳۸۰) این دگرگونی بر تغییر شکل فضاهای شهری نیز اثر گذاشت و روابط درونی آن ها را تحت تاثیر قرار داد.

« طرح تفکیک قطعات به صورت مجزا از یکدیگر که برای ساخت و سازها ارایه می شد، الگوی فیزیکی جدیدی را ارائه داد که

به نحوه زندگی آن دوران نزدیک بود و چهارچوب زندگی جوامع بعدی گردید. این طرح ها، شیوه یکسانی از خانه ها را ارایه می نماید، و طراحی هر یک از خانه ها بر طبق اندازه زمینی که از قبل تعیین شده بود صورت می گرفت و حتی زمانی که سازندگان یک مجموعه مسکونی را می ساختند نیز از همین روش استفاده می کردند. مرحله تاسف آور این ساخت و سازها این بود که، تعداد انبوهی مسکن بدون توجه به موقعیت مکانی و ویژگی اصلی آن ها و فهم نادرست از مفهوم گونه بندی احداث گردید. در نتیجه مجموعه های یکنواخت و کلیشه ای به وجود آمد، که مشکلات گوناگونی از جمله بحران هویت و بیگانگی را سبب می شد.» (پوردیهیمی، ۱۳۸۰ : ۵۸) فن آوری که از ساختارهای اصلی دوران مدرن بود، در جوامع شهری به صورت شاخص حضور یافته و زندگی بر اساس آن شکل گرفت، و در نتیجه سرعت حمل و نقل با اتومبیل نقش مهمی در گسترش شهرها ایفا نمود، (گیدپون، ۱۳۶۵) و به همین دلیل روش معمول طراحی شهرها و مجموعه های مسکونی شهری با الگوی مسیرهای ارتباطی سواره نسبت به مسیرهای دسترسی اطراف و دسترسی های لازم در مجموعه شروع شده و با تفکیک زمین های خالی باقیمانده بین مسیرها به شکل قطعات زمین مشابه و یک شکل به اتمام می رسید. در این دوران که فضاهای شهری برای استفاده از اتومبیل پایه گذاری شده بود، شهر عملکرد گرا به وجود آمد و فرم فضاهای شهری تاکید بر جدایی از معنی آن نمود. به این معنا که شکل ظاهری نقش اصلی را یافته و معنی درونی آن نادیده انگاشته شد. طراحی شهرها و فضاهای شهری برای مردمی که قرار است در آن زندگی کنند انجام نگرفته و هویت شهری و زندگی جوامع به دست فراموشی سپرده شده است. (پوردیهیمی، ۱۳۸۰)

۲-۲ محلات ایران قدیم

در بافت شهری قدیم ایران هر محله محدوده و مرز کمابیش مشخصی داشت، هر چند که غالباً مرز و محدوده به طور کامل با موانع یا علائم کالبدی و فیزیکی مشخص نمی‌شد و اگر فردی ناآشنا به محله‌ای وارد می‌شد به سادگی نمی‌توانست محدوده محله را تشخیص دهد، اما هر یک از ساکنان محله به خوبی می‌دانستند که به کدام محله تعلق دارند. در بعضی از شهرهای بزرگ، هر محله به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شد که گذر، کوی، برزن یا نام‌های دیگری داشت.

« در هر یک از محله‌های بزرگ و متوسط غالباً یک مرکز محله وجود داشت که در آن برخی از کالاهای مورد نیاز روزانه یا هفتگی ساکنان محله در چند دکان عرضه می‌شد و در بسیاری از مرکز محله‌ها، یک فضای عمومی برای تجمع‌های مذهبی و اجتماعی مردم محله وجود داشت که به صورت مسجد، حسینیه، تکیه و مانند آن طراحی و ساخته می‌شد. شکل کالبدی مرکز محله به صورت‌هایی متنوع و غالباً به صورت یک میدان یا به شکل عرصه‌ای خطی و ممتد در کنار مهم‌ترین راه یا در محل تقاطع راه‌های مهم بود. مرکز محله گاه به صورت طراحی شده و گاه به صورت ارگانیک شکل می‌گرفت.» (نادری آزاد، ۱۳۸۰: ۴۲) شکل شبکه ارتباطات و نیز شکل محله در بیشتر شهرهای بزرگ و دارای بافت پیوسته و از جمله تهران به صورت ارگانیک و غیرخطی طراحی شده بود و در نتیجه شکل زمین بسیاری از خانه‌ها به صورتی غیرهندسی و قناس بود. در چنین شهرها و بافت‌هایی به طور معمول خانه‌های واقع در انتهای کوچه-های بن‌بست و دور از مسیرهای اصلی ارزش اقتصادی و اجتماعی بیش‌تری داشتند و غالباً خانه‌هایی که در کنار مسیرهای اصلی و به ویژه در نزدیکی حصارها و دروازه‌های شهر قرار داشتند، ارزش اقتصادی و اجتماعی کم‌تری داشتند.

« فضای معماری ساخته شده از دو بخش اندرونی (فضای خودی) و بیرونی (فضای غیرخودی) تشکیل شده که این نگرش دوگانه را به صورت کلان در واحدهای شهر، به خصوص در محله و سلسله مراتب حرکتی از گذرهای عمومی به خصوصی دید. به عنوان نمونه، گره همسایگی و نحوه قرارگیری واحدهای مسکونی در یک محله بر اساس سلسله مراتب نیمه عمومی به خصوصی شکل می‌گرفت در واقع در واحد سازنده اصلی به نام بن‌بست و شبکه بی‌بست مفهوم شبیه آنچه از گره همسایگی انتظار می‌رود را به ما ارائه می‌داد. اولی که بن‌بست ساده است به صورت یک واحد همسایگی که روابط غنی اجتماعی و کالبدی دارد مطرح می‌شود (در اغلب موارد این فضا به صورت پاتوق زنان همسایه بود). اما شبکه بی‌بست از رابطه پیچیده‌تری برخوردار است ولی وجه همسایگی به خوبی در آن مشخص است و هنوز هم واحدهای مسکونی چنین شبکه‌ای را می‌توان همسایه نامید.» (بانی مسعود، ۱۳۸۰: ۹)

« یکی از راه‌های ایجاد و حفظ روابط همسایگی، پایداری اسکان است که با طرز تفکر رایج که هر مسکنی را پله پرتاب به مسکنی دیگر تلقی نموده و احساس توطن و تعلق را بر نمی‌انگیزاند منتفی است.» (عبدالعلی زاده، ۱۳۸۱: ۴) طبیعی است که وقتی مسکن، رسماً به عنوان یک کالا (آنهم کالای مصرفی) تلقی می‌شود، نمی‌تواند به عنوان وطن که باید پاسخگوی نیاز انسان به تعلق به مکان باشد ایفای نقش نماید. (نقی زاده، ۱۳۸۳)

ویژگی‌های فرهنگی و سنت‌های زیستی یکی دیگر از عوامل بسیار مهم و تعیین‌کننده در ساخت و ساز واحدهای همبسته (هم از بعد کمی و هم از لحاظ کیفی) با سنت‌های اجتماعی حاکم بر ساکنین آن است. که می‌توان به عنوان مثال از اعتقادات مذهبی و یا بازی محلی بین بچه‌ها و ... نام برد که در ایجاد واحدهای همبستگی در محلات سنتی از عوامل تاثیر گذار بودند.

۲-۳ محلات امروزی

محله یکی از ارکان اصلی کالبد شهری است و آینده تعادل زندگی اجتماعی در شهرها بستگی بسیار زیادی به حفظ واحد محله دارد. با وجود محله هاست که زندگی در بزرگترین شهرها می‌تواند دلپذیر و انسانی باشد. برعکس، بدون محله‌ها حتی شهری کوچک هم، بزرگ و بی‌هویت به نظر می‌آید. « شهرهای مدرن امروز قربانی توسعه شده و از درک روح انسانی باز مانده‌اند. به این دلیل است که در دوره‌های جدید، شهرسازان به تقسیمات کالبدی شهری و

ایجاد سلسله مراتب کالبدی برای مقیاس دادن به شهر توجه زیادی داشته اند. ایجاد مراکز چند گانه و به تبع آن ساماندهی محلات از شیوه های پذیرفته شده شهرسازی امروزی است که در بیشتر شهرهای خوب امروز به مرحله اجرا درآمده است. توجه دوباره به مفهوم محله و باز زنده سازی آنها بدین معنا نیست که شهرسازی جدید کاملاً رو به گذشته داشته باشد، بلکه فقط لازم است به آرامش و ابعاد انسانی توجه شود. این دو خصلت اصلی شهرهای گذشته که شهرهای نوین عاری از آن اند.» (غروی الخوانساری، ۱۳۸۵ : ۲۰)

« در طول قرن بیستم، استفاده از ایده محله مسکونی، محور بسیاری از نظریه های جدید شهر سازی قرار گرفته و برای رویارویی با مشکلات گوناگون شهری از قبیل مسائل مدیریتی، روابط اجتماعی و انسانی، مسائل بهداشتی و رفاهی و همچنین ابعاد معنایی و هویتی، از این ایده استقبال شده است. استفاده از ایده محله بر مبنای هر یک از نگرش های فوق، شرایط کالبدی و طراحی خاصی را ایجاد کرده که در همان دوره در نظر گرفته شده است.» (کالوس، ۱۹۹۷ : ۱۰۴)

توجه به ایده محله در هر زمان، با دیدگاه های خاصی که به مسائل و مشکلات خاص هم زمان می پرداخته معمولاً در دوره بعدی سیلی از انتقادات و آرای مخالف را بر می انگیزد. این موضوع سبب شده که بتدریج در طول زمان این ایده با فرازو نشیب های متفاوتی روبرو شود. با وجود این، این ایده به دلیل محاسن زیادی که دارد، همچنان در طراحی شهری سرتاسر جهان حضوری نافذ دارد و چنانچه طراحی و مدیریت شهری از عهده تامین شرایط احیای جنبه های گوناگون محله برآید، می توان به زندگی مطلوب تر در شهرها امیدوار بود.

نظریه پردازان شهرسازی ابتدا تفکر محله را راه حلی برای پاسخ به مشکلات گوناگون شهری از جمله کمبودهای بهداشتی و تراکم جمعیت معرفی کردند. « از اولین طرفداران طرح محلات در انگلستان، ابنزر هاروارد^۴ است. وی از آسیب پذیری انسان در محیط های پرتراکم شهری به تنگ می آید و طرح محله و باغ شهر را مطرح می کند. در این ایده، ترکیب زندگی شهری با طبیعت و فضای باز روستا پیشنهاد می شود و محله از دیدگاهی اداری- مدیریتی مطرح می شود. دسترسی عابر پیاده به امکانات اولیه زندگی و تعبیه فضای سبز کافی در داخل محلات از نکات مثبت طرح شمرده می شود.» (غروی الخوانساری، ۱۳۸۵ : ۲۲)

« رویکردهای بعدی به محله ایده واحد همسایگی بود که در کشورهای اروپایی به خصوص پس از جنگ جهانی اول رواج یافت و توسط کلارنس پری^۵ با تاثیرات گسترده در امریکا در دهه ۲۰ مطرح شد. این نظریه شکل گیری واحدهای شهری بر پایه شعاع نفوذ یک دبستان بود که شریان های اصلی حوزه نفوذ آن را درمی گرفت تا منطقه ای امن برای رسیدن کودکان به مدرسه پدید آید. حوزه های سایر خدمات براساس پیمانۀ این واحد یا ضریب معینی از آن تعیین می شد.» (مدنی پور، ۱۳۷۹ : ۳۰۳) به همین ترتیب، سطوح بالاتر آموزشی (راهنمایی و دبیرستان) به مجموعه های وسیع تری شامل چند واحد، خدمات ارائه می کرد. « این نظریه به لحاظ علمی از نظریات چارلز هورتن کولی نشأت می گیرد، که بر نقش « جامعه آشنا با یکدیگر و با گفت و گوی رودر رو، به جای تمایلات خاص و ائتلاف های بر پایه خانواده، استوار بر مکان مشترک و منافع عمومی مشترک » تاکید می کند. دو منشأ دیگر این نظریه توجه به « فقر اجتماعی » و « تلاش برای انسجام اجتماعی » بود. پری « الگوی شهری عمومیت یافته جدیدی » تعریف کرد که واحد بنیادی برنامه ریزی را از بلوک شهری یا خیابان اصلی، به واحد پیچیده تر همسایگی تغییر می داد. این انگاره موفقیت گسترده ای داشت، در بسیاری از طرح ها از آن اقتباس شد و مباحثی درباره میان جداسازی در واحد همسایگی، اندازه آن آمیختگی طبقات و تبعات آن را شدت بخشید.» (مامفرد، ۱۹۵۴ : ۲۵۸)

4 - Kallus.

5 - Howard, Ebenser.

6 - Clarence, A.Perry.

7 - Mumford.



تصویر ۱-۲ واحدهای همسایگی (منبع: اینترنت)

جیکوبز به شدت بر ایده تقویت محلات مسکونی تاکید می کند، «ولی آنها را عناصر برنامه ریزی شده یا از قبل پیش بینی شده نمی شناسد و به شکل گیری خود به خودی آنها عقیده دارد. او اداره محلات به دست اهالی ساکن آن محله را پیشنهاد می نماید.» (غروی الخوانساری، ۱۳۸۵ : ۲۲)

«این سازمانهای محلی مبتنی بر مسائل اجتماعی به جای ایجاد تغییر در مقابل تغییر مقاوم اند و از نظر سیاسی در سطوح بالاتر و رسمی تر دولت تاثیر می گذارند. فعالیت های سیاسی بخشی مجدداً ظهور پیدا کرده و تفکر محله به مثابه ابزار نظارت، کفایت خود را نشان داد.» (لینچ، ۱۳۷۶ : ۳۲۲) به این ترتیب در سال های اخیر تفکر محلات مسکونی دوباره سربر آورد؛ البته این بار به دلیل روی کارآمدن ایده های فرامدرن، بیشتر با تکیه بر مفاهیم ذهنی و ادراکی.

«ملموس جلوه دادن مقیاس محله ای مکان زندگی و عناصر و نشانه های واقع در آن، در تقویت هویت محله ای و تعلق خاطر انسان به فضای مسکونی خود بسیار موثر است. به ویژه آنکه ساکنان هر روز با عناصر ممتاز محله آن تاثیرات کم و کیفی پیوسته و عمیق تری بر آنها دارد.» (غروی الخوانساری، ۱۳۸۵ : ۲۲) در واقع مشکل اصلی نظریه محله، الگوی محله نیست، بلکه استاندارد های خشک و انعطاف ناپذیر ارائه شده در تعریف محله است که انتقادهایی بر آن وارد می کند.

غروی الخوانساری راهکارهایی برای استفاده از الگوی محله ارائه کرده است که به انعطاف پذیری و تعدیل آن کمک می کند. می توان از این راهکارها در بهبود وضعیت اجتماعی و روانی پروژه مورد بررسی نیز کمک گرفت که بطور مختصر عبارتند از :

۱. توجه به هویت اجتماعی و فرهنگی محله : بخش های کوچک محلی، که در آن مردم به دلیل همجواری سکونت با یکدیگر آشنایی دارند عامل ارزشمندی در مرزبندی محلات است. خصوصیات دیگر نظیر یکپارچگی اجتماعی، الگوی خیابان، هویت حریم ها و عدالت در دسترسی به خدمات عمومی نیز در این موضوع تاثیر می گذارد.

۲. تشخیص و تشخیص مراکز محلات : از عوامل دیگر در تعیین حدود و مرز محله تعداد تقریبی مراجعۀ اهالی به مرکز محله است.

۳. توجه به ارتباط روان محله با شهر و بالعکس : قدرت شبکه های دسترسی به عملکرد تسهیلات محلی به مثابه بخشی از کل شهر می انجامد. این امر در صورتی امکان پذیر است که تسهیلات خدماتی در لبه محلات مسکونی مکان یابی شوند. و با سیستم دسترسی شهری ارتباط داشته باشند؛ در واقع به صورت نیمه محلی در آیند. در این صورت به همان نسبت نیز محله از ترافیک شهری دور می ماند. قرار گرفتن تسهیلات در کناره های محلات، به کاهش ترافیک محلات و ازدحام ناشی از آن کمک شایانی می کند.

۴. توجه به تغییر تقاضا و حوزه نفوذ خدمات : دسترسی تسهیلات محلی به شبکه دسترسی شهر (جایابی در کناره محله) و همچنین همپوش بودن حوزه های خدماتی آنها از مشکلات ناشی از افت و خیز تقاضا و متغیر بودن

حوزه نفوذ خدمات گوناگون می‌کاهد. به این ترتیب این ایده از نظر اقتصادی نیز به پابرجا ماندن این تسهیلات کمک می‌کند. (غروی الخوانساری، ۱۳۸۵)

در نتیجه، با توجه به شرایط موجود محلات در شهرهای امروز، محلات دیگر تک هسته ای نخواهند بود و مراکز محله ممکن است مرتبط به هم و یا با محورهای مرکزی باشد.



تصویر ۲-۲ زندگی اجتماعی مشترک افراد در یک محله شهری (منبع: اینترنت)

۳- بیان مسئله و روش تحقیق

۳-۱- بیان مسئله و پرسش‌های تحقیق

مسئله اصلی این است که آیا تنها رعایت نکات فنی و مهندسی در مجموعه‌های مسکونی منجر به حل معضلات مسکن خواهد شد؟ مسائل روانی و بررسی روابط اجتماعی بین انسانها تا چه حد اهمیت دارند؟ تجربیات جهانی در مورد مجموعه‌های مسکونی تاکنون چه موضوعاتی را مطرح کرده‌اند و چه نکاتی باید در پروژه‌های آتی لحاظ گردد؟

۳-۲- روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است که منابع اطلاعاتی به صورت منابع کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی می‌باشد. هر تحقیق شامل تفسیر نیز می‌باشد. تحقیق تفسیری به طور خاص به عنوان جستجوی پدیده‌ای اجتماعی - کالبدی در زمینه‌ای پیچیده، با جهت‌گیری تبیینی - روایتی و کل نگر تعریف می‌شود. در این تحقیق پدیده‌ای در زمان گذشته بررسی می‌شود و محقق می‌کوشد تا حد امکان به مدارک موردنیاز تحلیل یک پدیده‌ی اجتماعی پیچیده دست یابد. این روند به جست و جو، جمع‌آوری و سازماندهی مدارک، ارزیابی و تشکیل روایتی کل نگر و قابل باور از آنها نیاز دارد. در این روش اگر داده‌ها را بتوان از میان دست‌نوشته‌های چاپ شده و چاپ نشده، سرگذشت‌ها، روزنامه‌ها، مدارک شرکت‌ها و سازمان‌ها، نامه‌های شخصی و اداری، دفترچه‌های خاطرات، مدارک شخصی، عکس‌ها، دست‌ساخته‌ها، ساختمان‌ها و ... به دست آورد، پس از شناخت منابع، گردآوری اطلاعات، سازماندهی داده‌ها، یادداشت برداری و مشاهده می‌توان به توصیف، تحلیل، سنجش و ارزیابی اطلاعات پرداخت و در نهایت به یک روایت یا "داستان" رسید. اما باید توجه داشت، جدای از اینکه هدف پژوهش گردآوری مدارک، ارزیابی یا روایت باشد، تفسیر عملی فعال است. علاوه بر این، محتوای تحقیق تفسیری مراحل مجزایی ندارد، بلکه در بیشتر موارد این مراحل موازی پیش می‌روند. جدای از مقوله‌های ارائه شده برای کنترل شواهد (شناخت، سازماندهی و ارزیابی)، مقوله بندی دیگری با عنوان تعیین گر، زمینه‌ای، استنباطی و خاطره‌ای برای گونه‌های شواهد می‌توان انجام داد. در این روش قبل از گردآوری اطلاعات کافی، باید از پیش داوری پرهیز شود. (گروت و وانگ، ۱۳۸۴ صص. ۱۳۵-۱۷۲)

۴- نمونه‌ی موردی (مسکن مهر قزوین)

۴-۱ نکات فنی رعایت شده در ساخت پروژه مسکن مهر قزوین

۴-۱-۱ حوزه معماری و طراحی

در حوزه معماری، توجه ویژه‌ای به شکل، فرم، نما و تناسبات واحدها و بلوک‌ها اعمال شده است. در طراحی فضاها به کاربردی بودن آنها و تأمین حداقل سرانه موردنیاز تأکید شده است. دسترسی‌ها و ارتباطات فضایی بگونه‌ای طراحی شده است که مسکنی بهینه تأمین شود و ساکنان آتی بیشترین احساس رضایت را نسبت به محل زندگی خود داشته باشند. در نهایت، در طراحی داخلی واحدهای مسکونی، زندگی مدرن و به روز زوج‌های جوانی که کاربران عمده این پروژه هستند در نظر گرفته شده است.



۴-۱-۲ حوزه سازه

رعایت آخرین دستورالعمل‌های سازه‌ای و مقررات تدوین شده در سراسر این پروژه به چشم می‌خورد. همچنین سعی شده است تا فناوری‌های جدید بطور اجرایی و کلان بررسی و اجرا شود. انجام آزمایشات دقیق در مورد مصالح و ابزارهای موجود از قبیل تیرچه‌ها، بلوک‌ها و تعداد نمونه آزمایشات بتن و ... از عملکردهای مثبت دستگاه نظارت در این زمینه بوده است.



۴-۱-۳ حوزه تأسیسات برقی

رعایت و انجام سیستم اعلان حریق، انجام آزمایشات مرتبط با تست سیم‌های مصرفی، برگزاری جلسات مشترک با اداره برق استان در زمینه چگونگی طراحی و نصب تابلوهای کنتوری و مشاعات و همچنین روشنایی معابر و اجرای پست‌های کامپکت در مسکن مهر، اجرای آسانسور توسط مجریان آسانسور مورد

تأیید سازمان نظام مهندسی استان از جمله اقداماتی بوده است که در مجموعه مسکونی مسکن مهر صورت گرفته است.

۴-۱-۴ حوزه تأسیسات مکانیکی

در پروژه مسکن مهر، لوله کشی سرد و گرم داخل واحدها از نوع پنج لایه و اتصالات پرسی می باشد. همچنین جنس لوله های رایزر از نوع تک لایه و پنج لایه است. برای هر ساختمان ۲۴ واحدی در مسکن مهر چهار کنتور سایز ۱" و یک کنتور سایز ۳/۴" برای پیلوت در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه فشار موجود در شبکه آب شهری برای طبقات بالاتر از سه مناسب نیست، از پمپ و مخزن برای تأمین فشار واحدها استفاده می شود.

در مورد لوله کشی فاضلاب هم باید گفت که فاضلاب جمع آوری شده در پیلوت هر ساختمان ۲۴ واحدی توسط چهار لوله به سایز ۱۲۵ میلیمتر مستقیماً به آگوی شهری متصل می شود. لازم به یادآوری است که آب باران توسط سه الی چهار لوله با سایز ۴" وارد معابر می شود.

در بیشتر ساختمان های مسکن مهر سعی بر آن شده است که از پکیج های فن دار در محل هایی استفاده شود که به فضای آزاد راه دارند تا مستقیماً به فضای خارج متصل شوند و از دودکش استفاده نشود.

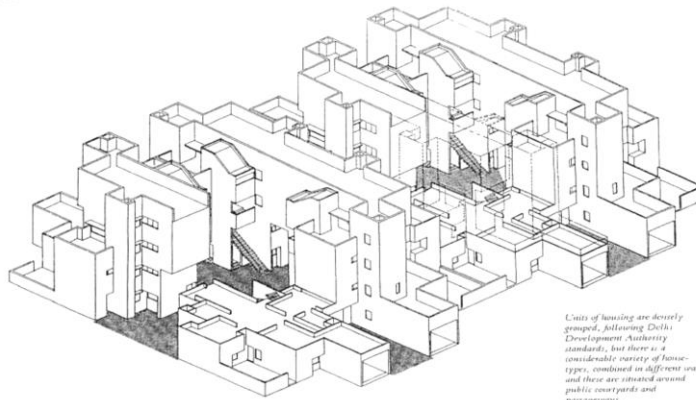
۵- بررسی نمونه های جهانی

در این قسمت با بررسی چند نمونه مجتمع مسکونی در پی مقایسه الگوهایی برای طراحی درباقت های مشابه هستیم.

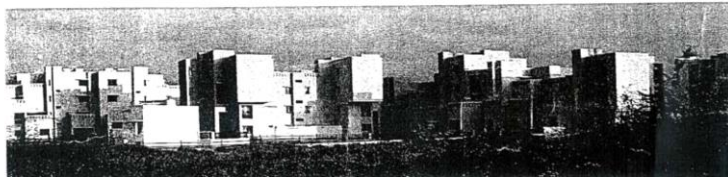
۵-۱ مجموعه مسکونی شیخ سرا (دهلی نو) (Sheikh Sara):

در این مجموعه واحدهای مسکونی به صورت ۱۶ تایی با هم ترکیب می شوند و یک فضای مشترک همسایگی را تشکیل می دهند. علیرغم اینکه واحدها به صورت فشرده در کنار هم طراحی و اجرا شده اند، ترکیب متنوع واحدها به تشکیل فضاهایی در خور و منطقی منجر شده است بویژه استقرار فضاهای همسایگی پیرامون یک حیاط مرکزی، تشخیص و خوانایی فضاهای عمومی را بیشتر کرده است. دسترسیهای پیاده در تمام فضاهای عمومی نفوذ دارد و در مواردی نیز امکان حضور اتومبیل وجود ندارد. دسترسی پیاده به عنوان استخوان بندی اصلی بافت مسکونی پیرامون یک حیاط بزرگ (پارکینگ عمومی) شکل گرفته است. هر واحد مسکونی دارای حیاط یا تراس مستقل است. ساختار اصلی مجموعه از بتن می باشد و نمای ماسه و سیمان با بافت خاص خود هویت شاخصی به واحدهای مسکونی بخشیده است.

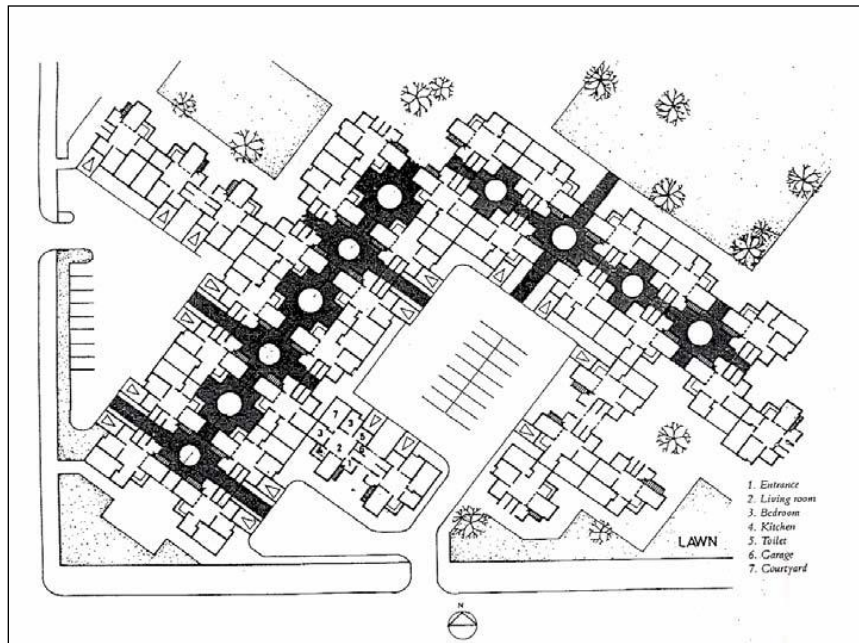
HOUSING



Units of housing are densely grouped, following Delhi Development Authority standards, but there is a considerable variety of housing types, combined in different ways, and these are interspersed around public courtyards and passageways.



تصویر ۵-۱ نما و ترکیب حجمی مجموعه مسکونی شیخ سرا (دهلی نو) (منبع: وبلاگ دانش معماری)

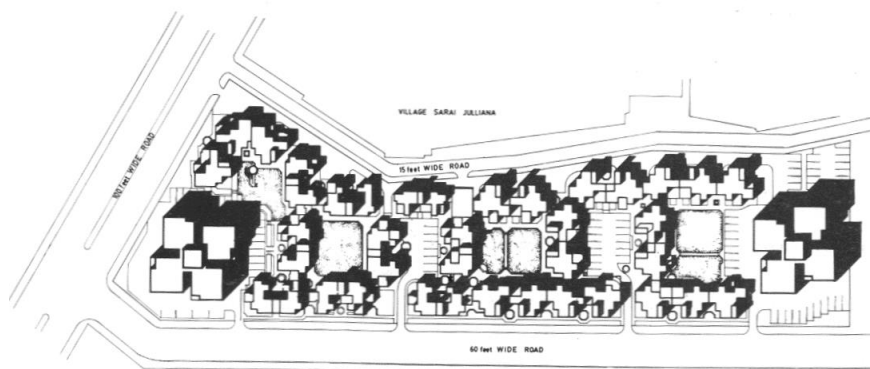


تصویر ۵-۲ قسمتی از سایت پلان مجموعه مسکونی شیخ سرا (دهلی نو) (منبع: وبلاگ دانش

معماری)

۵-۲ مجتمع مسکونی ذاکر حسین (Dr. Zaker Hussein Complex)

طراح: راج روال، زمان: ۱۹۷۹، مکان: دهلی



تصویر ۵-۳ مجتمع مسکونی ذاکر حسین (منبع: وبلاگ ساختمان)

شرکت ذاکر حسین طرح ۲۱۰ واحد آپارتمانی را جهت تأمین مسکن کارکنان خود را سفارش داد. این مجموعه کارگری وقت گیر و طاقت فرسا اما کامل، زیبا و همه پسند بود که طبق سلیقه ساکنان طراحی شده بود. این مجموعه از دو گونه اصلی تشکیل شده که یکی شامل آپارتمانی ۴ طبقه و دیگری بصورت دو برج ۸ طبقه در طرفین آپارتمانهای ۸ طبقه جهت پاسخگویی به تراکم مورد نیاز قسمتی از مجموعه طراحی شده است. واحدها بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ مترمربع می باشند و واحدهای بزرگتر که بین ۱۷۰-۱۳۰ متر مربع مساحت دارد، در برج ها قرار گرفته اند که طبق درخواست متقاضیان طراحی و از ۸ تیپ مختلف تشکیل شده اند، لطافت موجود در نمای بیرونی ساختمانهای ۴ طبقه از اندود ماسه و سیمان ساخته شده اند در مقایسه با سختی و ضخمتی دو برج ستون مانند حس خاصی را القا می کند. شکل برج از هر طرف زمین مجموعه مانند ستون بنظر می رسد. فضای بین این دو برج را رشته هایی از آپارتمانهای ۴ طبقه در اطراف فضاهای باز مختص به پیاده رو و پارک وسایل نقلیه تشکیل داده است. مساحت واحدهای مستقر در این آپارتمانها بین ۵۰ تا ۱۳۰ مترمربع است که از ۱۷ تیپ بوجود آمده است. تراکم ساختمان به زمین ۳۰ واحد در هکتار است اعمال سلايق ساکنين و نظريه شرايط مالي آنها از ويژگيهاي بارز اين پروژه بوده است. نکته جالب توجه در واحدهای مسکونی ۴ طبقه وجود تراسهای متنوع در هر واحد مسکونی و ترکیب متعادل و زیبایی این تراس ها در کنار هم است که باعث بوجود آمدن فضاهایی کاملاً زنده و فعال از لحاظ زیستی شده است و نحوه استقرار ساختمانهای ۴ طبقه به گونه ای است که باعث ایجاد حیاطهای داخلی نیز شده است. شکل ویژه پروژه عظیم Raj Rewal دارای یک چارچوب سنتی شهری مقتبس از شهرهای هند است. (Raj Rewal: A Ref book. ۱۳۸۹.۲.۴)



تصویر شماره ۵-۴ پلان طبقات مجتمع مسکونی ذاکر حسین (منبع: وبلاگ ساختمان)

۵-۳ تحلیل نمونه های موردی:

لازم به ذکر است در بررسی و تحلیل آثار توجه به نکات مستتر در آن دارای اهمیت است که به قرار زیر شایان توجه اند.

سواره و پیاده: مسیره های سواره در داخل مجموعه قطعات مجزا و منفک با مسیره های پیاده مرتبط می باشند. سطح کلان:

عدم تداخل عرصه های سواره و پیاده

باقی مدرن و یا حداقل تنوع در قطعات مجزا

هندسه ی ساده و منعطف (شبکه ی شطرنجی)

توزیع پارکینگها به صورت همگن در مجموعه

ترکیب متعادل پرو خالی در جهت نیل به مجموعه ای موزون و هماهنگ

ارتباط مناسب پارکینگ و مسیره های پیاده

تفکیک عرصه ها ی خصوصی و عمومی در مقیاس مورد بحث

تباین فضائی در عرصه های مربوط به پیاده، (توسط گشایش فضائی، ایجاد مسیره های مشبک و سایه روشن در

مسیره ها)

اهمیت قائل شدن برای مرکزیت و مراکز سلسله مراتبی .

تخصیص عناصر با توجه به مقیاس محله

سازماندهی ها عمدتاً مجموعه ای می باشند.

سطح میانی :

تأکید بر وجود فضای سبز در فضاهای مرکزی

تفکیک فضای مرکزی (به لحاظ احساس فضائی)

تقارن نسبت به دو محور
تأکید بر عناصر ارتباطی (راه پله ها)
سطح خرد:
استفاده از عناصر حجیم
تأکید بر عناصر غائی چون درها و پنجره ها به توسط ایجاد سایه روشن در نما
ایجاد حریمیت برای فضاها (چنانچه عمدتاً بالکن ها به توسط دیوار محصور شده اند
محوطه سازی
استفاده از لکه های نسبتاً عمده و خالص به منظور تأکید بر بستر باغچه
استفاده از مصالحی متفاوت با ساختمان ها برای جداره سازی باغچه ها و محوطه سازی

۶- نتیجه گیری

با در نظر گرفتن تمام نکات مثبت فنی رعایت شده در پروژه مسکن مهر می توان گفت برآستی عزمی عمومی در به ثمر رساندن آن وجود داشته است. اما با توجه به مطالب ذکر شده و با نگاهی به تراکم تحمیل شده در این عرصه، ضروری می نماید که علاوه بر اقدامات مفیدی که در زمینه طراحی و اجرای مسکن مهر رعایت شده است، پیش بینی لازم راجع به مسائل و مشکلات اجتماعی پیش روی ساکنین این واحدها صورت پذیرد و با اطلاع رسانی و آموزش مناسب و همچنین ارائه توصیه های کارآمد به جمعیت زیادی که ساکن در این منطقه خواهند بود و البته دارای تنوع بسیار قومی و قبیله ای و از طبقات مختلف اجتماع هستند، در جهت کاهش آسیب ها و معضلات احتمالی گام برداشت. اما در این زمینه چه تدابیری باید اندیشید؟ مطالعه و تحقیقات لازمه در جهت پیشگیری از مسائل اجتماعی بسیار ضروری می نماید. از آنجا که آپارتمان نشینی و زندگی در مجتمع های مسکونی رخدادی تجربه شده در جهان توسعه یافته است، میتوان قوانین و ضوابط مربوط به مجتمع ها و آپارتمان ها را بررسی کرد و در صورت نیاز پس از اصلاح آنها، در قالب آموزش های ابتدایی فرهنگ شهرنشینی در اختیار ساکنان این مجتمع ها قرار داد. همچنین می توان با طراحی و تهیه علائم و تذکرات لازم برای سکونت در مجتمع ها و اطلاع رسانی در مورد عواقب رعایت نکردن بهداشت، حفظ محیط زیست، آلودگی صوتی و ... از احتمال بروز مشکلات کاهش داد. برای مثال، بوق زدن برای احوالپرسی با همسایه یا دوستان در کوچه ها و معابر دسترسی محله ای ممکن است در ابتدا بنظر امری ساده می نماید اما از دیدگاه ساکنان محله کاری ناشایست و مزاحمتی برای استراحت آنها به شمار می آید. حال با تراکم بالای موجود در مسکن مهر این کار باعث ایجاد ناهنجاری و آزار برای چندین خانوار خواهد شد؟ (۲۰۰ خانوار، ۳۰۰ خانوار، ... باشد که از تجربیات جهان توسعه یافته در زمینه بلندمرتبه سازی و مسکن دسته جمعی استفاده مفید شده باشد و در کشورمان شاهد ایجاد نابسامانی ها و معضلات جدید نباشیم.

۷- منابع و مآخذ

- ۱- جودت، محمد رضا، ۱۳۸۱، معماری و طراحی پایدار، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۴.
- ۲- جودت، محمدرضا، ۱۳۸۱، واحد معماری پایدار: مقدمه ای بر طراحی پایدار، فصلنامه معماری ایران، شماره ۱۴.
- ۳- چینگ، د.ک، ۱۳۷۸، طراحی داخلی، ترجمه محمد احمدی نژاد، تهران، انتشارات نشر خاک.
- ۴- حاج محمدی، عباس، ۱۳۷۷، سیمای استان قزوین، قزوین، انتشارات طه
- ۵- حامی آقا محمدی، عباس، ۱۳۷۷، سیمای استان قزوین، چاپ اول، قزوین، انتشارات طه.

- ۶- حکمتی، شیوا، ۱۳۷۴، طراحی مجموعه مسکونی در بافت تاریخی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- ۷- زنده دل، حسن، ۱۳۷۷، راهنمای جامع ایرانگردی (استان قزوین)، تهران، نشر ایرانگردان
- ۸- شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۳، روانشناسی رشد بزرگسالان، تهران، انتشارات پیام آزادی.
- ۹- شفیق آبادی، عبدالله، ۱۳۷۲، مبانی روانشناسی رشد، تهران، انتشارات چهره.
- ۱۰- کریستوفر، الکساندر، ۱۳۸۲، عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- لنگ، جان، ۱۳۸۱، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- مرتضوی، شهرناز، ۱۳۶۷، روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳- نویفرت، ارنست، ۱۳۷۷، اطلاعات معماری، ترجمه هدایت موتابی، تهران، انتشارات آزاده.
- ۱۴- نوربرت شوئنوئر؛ مترجم: شهرام پوردیهیمی، مسکن، حومه شهر، روزنه، چاپ ۱ سال ۱۳۸۰
- ۱۵- شهرام پوردیهیمی، شهر، مسکن و مجموعه ها، آرمان شهر چاپ ۱ سال ۱۳۹۱